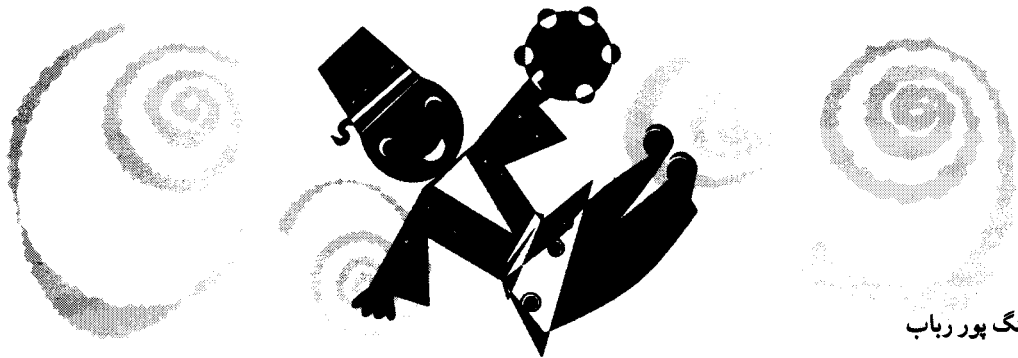


مبارک، قهرمان آرمان مردم اعماق

خیمه شب بازی، شیوه نمایشی فراموش شده است که می توان و باید آن را دوباره زنده کرد



■ هوشنگ پور رباب

آگاهی ها و مهم تر از همه نقد بی رحمانه قدرت. متأسفانه با آمدن شیوه های نمایشی دیگر و مهم تر از همه سینما و تلویزیون خیمه شب بازی کارکرد خود را به عنوان گونه ای نمایش از دست داد و نقش انتقادی آن هم به فراموشی سپرده شد و بسا که قدرت های حاکم، از این به فراموشی سپرده شدن خیمه شب بازی خرسند هم شدند، اگر بگوئیم که خواستار ش بودند.

امروز اما «خیمه شب بازی» اگر باشد، در حد نمایشی سرگرم کننده در محافل کودکان است، جشن تولدی و یا... و آن هم به ندرت و از نسل خیمه شب بازهای قدیمی، گویایکی دو تن بیشتر نمانده باشند، اما خیمه شب بازی به عنوان یک هنر اصیل در حافظه تاریخ هنر مانده است و اگر استادان نمایش عروسکی همتی به خرج دهند و به جای استفاده از عروسک های بعضاً بی قواره و زشتی که در تلویزیون می بینیم، به احیاء این هنر فراموش شده برخیزند، بی شک تلاششان بی ثمر نخواهد ماند چرا که هنر خیمه شب بازی و عروسک گردانی نه صدرصد به آن معنای کنونی اش بلکه در کلیت قدیمی اش منتها با استفاده از اندیشه ها و شیوه ها و ابزارهای نو، آن قدر ارزشمند هست و در دنیا مورد احترام که بتوانیم به عنوان گونه ای از نمایش ایرانی از آن برای حضور در عرصه های وسیع تر استفاده کنیم وقتی که «مبارک» نماد جهانی نمایش عروسکی می شود، پس این گونه نمایشی از اهمیتی بیش از آن چه ما می پنداریم برخوردار است و به دلیل همین اهمیت از صاحب نظران و استادان نمایش عروسکی می خواهیم در این باب اگر حرفی هست دریغ نکنند با طرح بحث در این زمینه فرصت بیشتری برای شکوفایی این هنر و شناخت ویژه گی ها، ظرایف و کارکردهای آن فراهم سازند، صفحات آزما در اختیار همه آن ها، و «مبارک» است.

بود و نماینده مردمی که خود قدرت اعتراض به طبقات حاکم و قدرتمندان را نداشتند و این عروسک سیاه با آن صدای زیر و مخصوص اش که از حلقوم عروسک گردان بیرون می آمد بی پروا و شجاعانه، صاحبان زر و زور را به باد انتقاد می گرفت. دستشان می انداخت، مسخره شان می کرد، توطئه هایشان را نقش بر آب می کرد و در یک کلام قهرمانی بود که اگر نه در واقعیت که در خیال دست کم داد مردم را از بیدادگران می گرفت. «مبارک» شخصیت ویژه ای داشت، شخصیتی که نشان می داد او از جنس مردم است. ساده، بی پیرایه اما با هوش و چنین شخصیتی در قالب یک عروسک و با آن صدای

مبارک» زمانی قهرمان آرمانی توده مردم بود، قهرمانی که با صاحبان زر و زور در می افتاد مسخره شان می کرد و زشتی هایشان را به رخشان می کشید و مردم را شادمانه می خنداند

مخصوص نمی توانست دوست داشتنی نباشد و علاقه مردم به او و ماجراهایش و حرف هایش بهترین دلیل بود برای آن که خیمه شب بازها با بساط خیمه شب بازی شان و با مبارک و حاکم و دختر حاکم که گاهی به مصلحت جایشان را به ارباب و دختر ارباب می دادند. از شهری به شهری دیگر و حتی از این روستا به آن روستا بروند و مردم را دور خود جمع کنند، به ظاهر برای سرگرم شدن و در واقع میتینگ اعتراض آمیز و حرکتی اطلاع رسان. خیمه شب بازها حتی از این طریق خیلی از خبرها را که در نبود رسانه های جمعی بازتاب نمی یافت به گوش مردم می رساندند و خیمه شب بازی وسیله ای بود برای اطلاع رسانی، افزایش

برگزاری جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی در تهران آن هم با عنوان «مبارک» که از فرهنگ نمایش های ایرانی و مستقیماً از خیمه شب بازی گرفته شده و در واقع اسم همان عروسک سیاهی است که نمونه زنده اش را در تئاتر ایران به نام «سیاه» می شناسیم، فرصتی بود و یا تلنگری که یادمان بیاید، چیزی هم به نام تئاتر عروسکی وجود دارد و در بسیاری از کشورهای دنیا به عنوان یک مقوله جدی در هنر نمایش به آن نگاه می کنند و برایش ارزش قابل اند.

نمایش عروسکی که گونه اصیل و ناب آن با عنوان خیمه شب بازی، یکی از بومی ترین شیوه های نمایش در ایران است، سابقه ای دیرین و شایسته تامل و بررسی جدی دارد که قطعاً جای این بررسی در این مختصر نیست. اما همین قدر می شود گفت که خیمه شب بازی یکی از مردمی ترین هنرهای نمایشی در ایران و در بسیاری از کشورهای دیگر است و پیش از آن که سینما و تلویزیون و رسانه های تصویری دیگر ابزار واسطه ای بشوند برای ایجاد ارتباط با مخاطب و ارایه گونه های مختلف نمایشی، خیمه شب بازی تقریباً تنها پل رابطه مردم عادی با هنر نمایش بود و مهم تر از آن، خیمه شب بازی و هنرمندان عروسک گردان، نقشی را به عهده داشتند که امروز از آن به عنوان «منتقد اجتماعی» یا «منتقد سیاسی» یاد می شود.

«مبارک» عروسک سیاه خیمه شب بازی، سمبل و نماینده توده های فرودست مردم بود که در خانه، خان یا حاکمی به عنوان نوکر یا پیشکار، خدمت می کرد و از هر فرصتی سود می جست تا خطاها، ریاکاری ها، توطئه چینی ها و در یک کلام زشتی رفتار طبقات قدرتمند را به زبان طنز و شوخی بر ملا کند و صاحبان ریاکار ثروت و قدرت را دست بیاندازد.

مبارک در واقع تمثیل قهرمان آرمانی جامعه

